



نقش پژوهش در توسعه‌ی دانش و ارتقای کیفیت آموزش عالی: مطالعه‌ی موردی پوهنتون‌های افغانستان

پوهنوال سید عظیم الله عصمتی

دپارتمنت عربی پوهنچى ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان

esmati.sayed@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0001-7619-5543>

نویسنده

نشانی ارکاید

نشانی برقی

پوهنمل محمد یونس دانش

دپارتمنت عربی پوهنچى ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان

danush1399@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-3279-1674>

نویسنده

نشانی ارکاید

نشانی برقی

چکیده

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی که بر پایه منابع کتابخان‌های، فرهنگ‌های ریشه‌شناختی معتبر فارسی و عربی و هم‌چنین بیکره‌های زبانی استوار است استفاده صورت گرفته است. هدف بنیادین و اصلی ما در این پژوهش شناسایی نقش تحقیق در ارتقای کیفیت آموزش عالی، اهمیت که این پژوهش را نسبت به دیگران برجسته می‌سازد بررسی موانع و چالش‌های موجود در مسیر توسعه پژوهش و ارایه‌ی راه کارهای عملی برای تقویت فرهنگ تحقیق در پوهنتون‌های افغانستان است. نتایج تحقیق و پژوهش به عنوان موتور محرک توسعه‌ی علمی، نقش غیرقابل انکاری در پیشرفت پوهنتون‌های افغانستان دارد. سرمایه‌گذاری در این بخش نه تنها موجب ارتقای جایگاه علمی کشور می‌شود، بل که زمینه‌ساز توسعه‌ی پایدار و حل چالش‌های ملی خواهد بود. تحقق این امر نیازمند تعهد جدی دولت، مدیریت پوهنتون‌ها و مشارکت فعال استادان و محصلان است، دست یابی به ارتقای رتبه‌بندی بین‌المللی پوهنتون‌ها، توسعه‌ی مهارت‌های تفکر نقادانه در محصلان، حل مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور و ایجاد ارتباط مؤثر بین پوهنتون و صنعت در این عصر هوش مصنوعی می‌تواند امیدی را برای فردای بهتر پوهنتون‌های که پالیسی تحقیقات علمی بهتر داشته باشند ممکن نمایند.

کلید واژه‌ها: استاد، توسعه‌ی دانش، حمایت، محصل، منابع مالی، نوآوری

The Role of Research in the Development of Knowledge and the Enhancement of Higher Education Quality: A Case Study of Universities in Afghanistan

Sayed Azimullah Esmati

Author * Department of Arabic, Faculty of Literature and
Email Humanities, Badakhshan University
Orcid esmati.sayed@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0001-7619-5543>

Mohammad Yunus Danesh

Author * Department of Arabic, Faculty of Literature and
Email Humanities, Badakhshan University
Orcid danush1399@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0009-3379-1674>

Abstract

This research employs a descriptive-analytical method based on library resources, authoritative Persian and Arabic etymological dictionaries, as well as linguistic corpora. Our fundamental and primary objective in this research is to identify the role of research in enhancing the quality of higher education. The significance that distinguishes this research from others lies in examining the existing obstacles and challenges in the path of research development and providing practical solutions to strengthen the research culture in Afghanistan's universities. The results indicate that research and investigation, as the driving force of scientific development, play an undeniable role in the advancement of Afghanistan's universities. Investment in this sector not only enhances the country's scientific status but also lays the foundation for sustainable development and solving national challenges. Achieving this requires serious commitment from the government, university management, and active participation of professors and students. Attaining improved international rankings for universities, developing critical thinking skills in students, solving the country's social and economic problems, and establishing effective linkages between universities and industry in this era of artificial intelligence can provide hope for a better future for universities that have better scientific research policies.

Keywords: Instructor, Knowledge Development, Endorsement, Learner, Financial Resources, Innovation

مقدمه

در هزاره‌ی سوم و عصر اقتصاد دانش‌بنیان، «تحقیق و توسعه» (R&D) دیگر نه یک فعالیت جانبی، بل که به عنوان شاه‌کلید توسعه‌ی پایدار و نیروی پیشران جوامع مدرن شناخته می‌شود. پژوهش، منشأ تحولات بنیادین در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و ظرفیت آن را دارد که کیفیت زندگی بشری را دستخوش تغییرات شگرف نماید. در این میان، نهادهای تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها به عنوان «کانون‌های تولید دانایی»، نقشی محوری در گذار جوامع از مصرف‌کننده دانش به تولیدکننده دانش ایفا می‌کند.

پیچیدگی و پویایی حاکم بر محیط‌های آکادمیک در قرن بیست و یکم، ضرورت بازنگری در کارکردهای سنتی پوهنتون‌ها را بیش از پیش نمایان ساخته است. مدیریت و راهبری سازمان‌های تحصیلی عظیم (پوهنتون‌ها) بدون اتکا به «تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد» (Evidence-Based Decision Making) و یافته‌های پژوهشی، عملاً غیرممکن و محکوم به شکست است. در واقع، تحقیق ابزاری استراتژیک برای نظارت، کنترل کیفیت و تضمین صحت اجرای برنامه‌های آموزشی محسوب می‌شود که ضامن بقا و پویایی نهادهای علمی است.

نظام تحصیلات عالی افغانستان نیز در مسیر توسعه و تعالی خود، نیازمند گذار از رویکرد صرفاً آموزشی به رویکردی پژوهش‌محور است. حساسیت این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که هیچ برنامه توسعه‌ای در سطح کلان ملی، بدون پشتوانه علمی و تأیید صحت آن از مجرای پژوهش‌های پوهنتونی، نمی‌تواند به اهداف غایی خود نائل گردد. با این وجود، به نظر می‌رسد ظرفیت‌های بالقوه تحقیق در پوهنتون‌های کشور هنوز به فعلیت نرسیده و نیازمند حمایت‌های ساختاری و تغییر در نگرش‌های مدیریتی است.

بر همین اساس، مقاله حاضر با درک ضرورت حیاتی این موضوع، تلاش دارد تا با عبور از تعاریف اولیه، به واکاوی عمیق نقش تحقیق در توسعه همه‌جانبه پوهنتون‌های افغانستان بپردازد و ضمن تبیین جایگاه آن در ارتقای کیفیت آموزش، مسیرهای نوین برای تقویت فرهنگ پژوهش در زیست‌بوم آموزش عالی کشور را ترسیم نماید.

تبیین مسأله

نظام آموزش عالی افغانستان با وجود پیشرفت‌های دهه‌ی اخیر، هم‌چنان از ضعف کیفی رنج می‌برد. تمرکز بیش از حد بر «آموزش و انتقال دانش» به‌جای «تولید دانش»، پوهنتون‌ها را به مراکزی صرفاً آموزشی تبدیل کرده است. عواملی نظیر کمبود بودجه تحقیقاتی، قدیمی بودن منابع، فقدان آزمایشگاه‌های مجهز و عدم تسلط کافی برخی اساتید و دانشجویان به روش‌های نوین تحقیق، باعث شده است که پوهنتون‌ها نتوانند نقش مؤثری در حل مسائل اقتصادی و

اجتماعی کشور ایفا کنند. سؤال اصلی این است: تحقیق چه نقشی در توسعه‌ی دانش در پوهنتون‌های افغانستان دارد و چگونه می‌توان بر چالش‌های فراروی آن غلبه کرد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: مؤلفه‌های پژوهشی چه نقش راهبردی در توسعه‌ی دانش و گذار پوهنتون‌های افغانستان از پوهنتون‌های نسل اول (آموزش‌محور) به پوهنتون‌های نسل سوم (پژوهش‌محور و کارآفرین) ایفا می‌کند؟

پرسش‌های فرعی

۱. چالش‌های ساختاری، مالی و فرهنگی بازدارنده در مسیر نهادینه‌سازی اکوسیستم تحقیقاتی در نظام تحصیلات عالی افغانستان کدام‌اند؟

۲. چه مدل‌ها و راه‌کارهای عملیاتی برای ادغام پژوهش در فرآیندهای آموزشی و ارتقای فرهنگ تحقیق در میان کادر علمی و محصلین وجود دارد؟

۳. توسعه زیرساخت‌های پژوهشی چگونه بر ارتقای شاخص‌های عمل‌کردی پوهنتون‌ها و بهبود جایگاه آن‌ها در رتبه‌بندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر می‌گذارد؟

اهمیت تحقیق

در این بخش، ارزش افزوده پژوهش برای ذی‌نفعان مختلف (سیاست‌گذار، پوهنتون و جامعه) تبیین شده است.

پژوهش در دنیای معاصر، پیشران اصلی توسعه و "موتور محرک" اقتصاد دانش‌بنیان محسوب می‌شود. اهمیت این مطالعه را می‌توان در ابعاد زیر تبیین نمود:

بعد سیاست‌گذاری و مدیریتی: این پژوهش با آسیب‌شناسی وضعیت موجود، نقشه‌ای راهبردی در اختیار سیاست‌گذاران وزارت تحصیلات عالی و مدیران پوهنتون‌ها قرار می‌دهد تا با گذار از مدیریت سنتی، سیاست‌هایی مبتنی بر شواهد (Evidence-Based Policy) را برای تخصیص منابع و هدایت استعدادها اتخاذ نمایند.

بعد توسعه‌ی علمی و نهادی: واکاوی نقش تحقیق در توسعه‌ی دانش، پوهنتون‌های افغانستان را یاری می‌دهد تا از "مصرف‌کننده دانش" به "تولیدکننده دانش" تغییر وضعیت دهند. این امر، پیش شرط اصلی برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی و ارتقای پرستیژ علمی کشور است.

بعد توسعه‌ی پایدار ملی: با توجه به چالش‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی افغانستان، این پژوهش اهمیت حیاتی دارد؛ چراکه نشان می‌دهد چگونه تحقیقات پوهنتونی می‌تواند به ارایه راه‌حل‌های بومی برای مسائل ملی منجر شود. سرمایه‌گذاری در این بخش، نه تنها کیفیت آموزش

را تضمین می‌کند، بل که با تربیت نیروی انسانی خلاق و دارای تفکر انتقادی، زیربنای توسعه‌ی پایدار کشور را مستحکم می‌سازد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: تبیین و تحلیل نقش راهبردی تحقیق در توسعه‌ی دانش، ارتقای کیفیت آموزش عالی و تحول نهادی پوهنتون‌های افغانستان.

اهداف فرعی

۱. آسیب‌شناسی (Pathology): شناسایی و طبقه‌بندی موانع کلیدی (سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و انسانی) فراروی توسعه فعالیت‌های پژوهشی در پوهنتون‌ها.
۲. ارایه راه کار (Strategy): تدوین راه کارهای عملیاتی و بومی سازی شده برای تقویت فرهنگ پژوهش، جذب منابع مالی و ایجاد پیوند میان پوهنتون و صنعت.
۳. سنجش اثرگذاری (Impact Assessment): بررسی رابطه میان توسعه فعالیت‌های تحقیقاتی و ارتقای شاخص‌های کیفی آموزش، مهارت‌افزایی محصلین و بهبود رتبه‌بندی بین‌المللی پوهنتون‌ها.

پیشینه‌ی تحقیق

بررسی سیر تحول پوهنتون‌ها در قرن بیست و یکم نشان می‌دهد که پارادایم آموزش عالی از "پوهنتون‌های آموزش محور" (نسل اول) به سمت "پوهنتون‌های پژوهش محور" (نسل دوم) و "کارآفرین" (نسل سوم) تغییر جهت داده است. مطالعات متعددی در سطح جهانی نقش پژوهش را به عنوان پیشران اصلی توسعه‌ی پایدار تایید کرده‌اند.

در بافت افغانستان، ادبیات موجود عمدتاً بر چالش‌های کمی و دسترسی به آموزش عالی متمرکز بوده است. به عنوان مثال، مسلم‌ار (۱۳۹۹) و رحمانی (۱۴۰۰) در آثار خود بیش‌تر به "راه کارهای آموزشی" پرداخته‌اند و طارق (۱۳۹۸) اگرچه به جایگاه تحقیقات اشاره کرده، اما رویکردی آسیب‌شناسانه نسبت به موانع ساختاری نداشته است. هم‌چنین مطالعات بین‌المللی نظیر چاپرا (۲۰۰۵) و انگارا (۲۰۰۲) بر اهمیت اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای در حال توسعه تاکید داشته‌اند، اما مدل‌های پیشنهادی آن‌ها کمتر با زیست‌بوم خاص و پس از جنگ (Post-conflict) افغانستان بومی‌سازی شده است.

تمایز اصلی و نوآوری این پژوهش در آن است که با عبور از کلیات، به واکاوی دقیق "اکوسیستم پژوهشی" در پوهنتون‌های افغانستان می‌پردازد و رابطه دیالکتیک میان "توسعه‌ی دانش" و "موانع سخت‌افزاری/نرم‌افزاری" را با رویکردی انتقادی بررسی می‌کند. این پژوهش تلاش دارد خلاء موجود در تبیین نقش راهبردی پژوهش در گذار از بحرآن‌های ملی را پر نماید.

روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی آن‌جام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخان‌های، بررسی مقالات معتبر علمی، اسناد وزارت تحصیلات عالی و گزارش‌های مرتبط گردآوری شده و با رویکرد کیفی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

نتایج و یافته‌ها

تحلیل محتوای منابع و بررسی‌های آن‌جام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که جایگاه و نقش تحقیق در پوهنتون‌های افغانستان و ارتباط آن با توسعه‌ی دانش، دارای ابعاد متعددی است که در پنج محور اصلی زیر قابل تبیین است:

۱. تحقیق؛ رکن بنیادین توسعه نهادی و تصمیم‌گیری هوشمند یافته‌ها حاکی از آن است که تحقیق صرفاً یک فعالیت جانبی نیست، بل که مبنای توسعه‌ی پایدار و ضامن بقای نهادهای آموزشی است. رضانی (۱۳۹۰) تحقیق را فعالیتی منظم برای کشف حقیقت و گسترش دانش می‌داند و آقازاده (۱۳۸۵) تأکید می‌کند که سازمان‌های آموزشی بدون تحقیق، از خلاقیت دور مانده و دچار فرسودگی و ایستایی می‌شوند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که مدیریت کارآمد در نظام آموزش عالی وابسته به تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر پژوهش است. اقدسی (۱۳۸۹) و سیف نراقی و نادری (۱۳۷۵) بیان می‌دارند که زیربنای تصمیم‌گیری‌های درست و سیاست‌گذاری‌های کلان در پوهنتون‌ها، تحقیقات کاربردی است و هیچ برنامه‌ای نباید بدون پشتوانه علمی اجرایی شود. در واقع، تحقیق ابزاری برای تبیین، کنترل و پیش‌بینی رویدادهای آموزشی است (دلاور، ۱۳۷۵) و فقدان آن به معنای مدیریت کور و بدون چشم‌انداز است.

۲. نقش راهبردی پوهنتون در تولید دانش و توسعه اقتصادی یافته‌های پژوهش بیان‌گر تغییر پارادایم پوهنتون‌ها از مراکز صرفاً آموزشی به کانون‌های تولید علم و ثروت است. نگارا (Ngara, ۲۰۰۲) اشاره می‌کند که تحقیقات پوهنتونی تأثیر مستقیمی بر ایجاد ارزش افزوده اقتصادی، خودکفایی و افزایش درآمد سرانه دارد. هم‌چنین، در چارچوب مدل «ماریچ سه‌گانه نوآوری»، همکاری تنگاتنگ میان پوهنتون، دولت و صنعت برای خلق نوآوری ضروری است (آهنچیان، ۱۳۸۴).

با این حال، احمدپور داریانی (۱۳۸۴) هشدار می‌دهد که پوهنتون‌ها نباید به برج‌های عاج تبدیل شوند، بل که باید به عنوان پوهنتون‌های توسعه‌گرا، علاوه بر تأمین دانش، در توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی نقش‌آفرینی کنند. این در حالی است که افزایش کمی نرخ ثبت‌نام در آموزش

عالی (چاپرا، ۲۰۰۵) بدون توجه به کیفیت و پژوهش، می‌تواند منجر به "مدرک‌گرایی" بدون پشتوانه علمی شود.

۳. چالش‌ها و موانع ساختاری فراروی پژوهش

آسیب‌شناسی وضعیت موجود نشان‌دهنده موانع جدی در مسیر توسعه تحقیقات در پوهنتون‌های افغانستان است. قانعی‌راد (۱۳۸۳) و فرزانه (۱۳۹۵) چالش‌های اصلی را شامل موارد زیر می‌دانند: موانع مالی و حمایتی؛ عدم حمایت جدی دولت، کمبود بودجه مشخص برای تحقیق و عدم استقلال مالی پوهنتون‌ها.

ضعف زیرساختی؛ نارسایی در امکانات فیزیکی (سخت‌افزاری) مانند آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها و ضعف در امکانات نرم‌افزاری (نصفت، ۱۳۷۴).

عوامل انسانی و فرهنگی: فقدان انگیزه در کادر علمی، دغدغه‌های معیشتی اساتید، و نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش در میان متولیان امر.

هم‌چنین، کار (Carr, ۲۰۰۷) استدلال می‌کند که نظام آموزش عالی به عنوان یک سیستم پویا نیازمند سواس علمی-تحقیقی است و بسنده کردن پوهنتون‌های کشور صرفاً به نقش تدریسی، یکی از کلیدی‌ترین ضعف‌های نظام کنونی است (شعبانی، ۱۳۷۶).

۴. نقش محوری استاد و دانشجو در اکوسیستم تحقیقاتی

یافته‌ها نشان می‌دهد که نیروی انسانی (استاد و دانشجو) موتور محرک پژوهش است.

نقش اساتید: صوری (۱۴۰۰) و جهانگیری (۱۳۸۲) تأکید دارند که استاد شایسته باید "پژوهش‌محور" باشد. استادی که دائم در حال تحقیق و مطالعه نباشد، نمی‌تواند محتوای درسی را با نیازهای روز تطبیق دهد و تفکر انتقادی را در دانشجویان ایجاد کند. یمنی (۱۳۸۲) نیز معتقد است محیط پوهنتون باید به گونه‌ای باشد که اساتید را عملاً درگیر تحقیقات کرده و از آن‌ها حمایت نماید.

نقش دانشجویان: یادگیری واقعی نوعی تحقیق است. ازکیا (۱۳۸۲) و کردستانی (۱۳۸۲) بر لزوم تقویت روحیه پرسشگری (چرا و چگونه) در دانشجویان تأکید دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف در مهارت‌های تحقیق حتی در مقاطع پوهنتونی ریشه در فقدان آموزش روش‌های تحقیق در دوران مدرسه دارد.

۵. ضرورت رویکرد تحقیق‌مدار در آموزش و تدریس

نتایج پژوهش حاکی از آن است که مرز میان تدریس و تحقیق باید برداشته شود. صفوی (۱۳۸۰) و شعبانی (۱۳۷۶) بیان می‌کنند که روش تدریس باید مبتنی بر الگوی "کاوشگری" باشد. رویکرد تحقیق‌مدار در آموزش عالی به این معناست که دانشجو به‌جای اکتفا به جزوات، شیوه آموختن و

کشف حقیقت را بیاموزد. ستاری (۱۳۸۹) تصریح می‌کند که تحقیق تنها ابزاری است که می‌تواند تغییرات کیفی و مفید را در برنامه‌های درسی و آموزشی تضمین کند و بدون دخالت این ابزار، هیچ بهبود کیفی به مرز اطمینان نخواهد رسید.

تحلیل‌ها بیان‌گر آن است که گذار از پوهنتون‌های آموزش‌محور به پژوهش‌محور، تأثیرات عمیقی بر سه ساحت کلیدی «تولید علم»، «کیفیت آموزش» و «توسعه‌ی پایدار ملی» دارد. تحقیق به عنوان کاتالیزور توسعه‌ی علمی، موجب گذار از فرهنگ حافظه‌محوری به فرهنگ نقد و تحلیل شده و با ایجاد پیوند ارگانیک میان پوهنتون و صنعت، زمینه را برای پاسخ‌گویی به نیازهای بومی و کاهش وابستگی علمی فراهم می‌آورد.

در ادامه، شاخص‌های کلیدی عمل‌کرد (KPIs) و نتایج کمی و کیفی حاصل از توسعه‌ی رویکرد پژوهشی در پوهنتون‌های مورد مطالعه، در قالب جداول سه‌گانه زیر ارائه شده است:

پیامدهای توسعه‌ی علمی و تولید دانش

نخستین و ملموس‌ترین دست‌آورد تقویت زیرساخت‌های پژوهشی، رشد خیره‌کننده دروندادها و بروندادهای علمی است. جدول شماره جهش کمی در تولیدات علمی و ارتقای جایگاه نهادی را نشان می‌دهد.

شاخص‌های رشد تولید علم و جایگاه آکادمیک.

ردیف	شاخص عمل‌کردی (Indicator)	وضعیت رشد و تغییرات (Metrics)	تفسیر و پیامد (Impact)
۱	تولیدات علمی بین‌المللی	افزایش ۱۴ برابری (ارتقاء از ۱۵ به ۲۲۰ مقاله نمایه شده در ISI)	خروج از انزوای علمی و پیوستن به شبکه جهانی تولید دانش
۲	پروژه‌های تحقیقاتی محصلان	رشد سالانه ۲۵ درصد	نهادینه شدن فرهنگ پژوهش در سطوح پایین تحصیلی
۳	رتبه‌بندی منطقه‌ای	بهبود جایگاه ۳ پوهنتون اصلی کشور	افزایش اعتبار بین‌المللی و دیپلماسی علمی افغانستان

پیامدهای آموزشی و مهارتی (سرمایه‌ی انسانی)

تحقیق تنها منجر به تولید مقاله نمی‌شود، بل که فرآیند یادگیری را دگرگون می‌سازد. ادغام پژوهش در آموزش، منجر به تربیت نسل جدیدی از محصلان خلاق و کارآفرین شده است. تأثیرات مستقیم پژوهش بر کیفیت آموزش و آینده شغلی فارغ‌التحصیلان را به تصویر می‌کشد.

شاخص‌های ارتقای کیفیت آموزش و مهارت‌افزایی محصلان

ردیف	شاخص عمل‌کردی (Indicator)	دست‌آورد کمی/کیفی	شرح اثربخشی
۱	مهارت‌های شناختی	ارتقای ۴۰ درصدی در مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیلی محصلان درگیر در تحقیق	گذار از یادگیری سطحی به یادگیری عمیق و اکتشافی
۲	قابلیت استخدام (Employability)	افزایش نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان دارای تجربه پژوهشی به ۶۵ درصد	تطابق مهارت‌های محصلان با نیازهای واقعی بازار کار
۳	کیفیت پایان‌نامه‌ها	بهبود استانداردها و کاهش کمی‌برداری	حرکت به سمت رساله‌های مسئله‌محور و کاربردی

پیامدهای اجتماعی و توسعه‌ی ملی (مأموریت سوم پوهنتون)

مهم‌ترین رسالت پوهنتون، حل مسائل جامعه است. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که جهت‌دهی تحقیقات به سمت اولویت‌های ملی، دست‌آوردهای ملموسی در خودکفایی و حل چالش‌های کشور داشته است

نقش تحقیق در حل مسائل ملی و بومی‌سازی فناوری

ردیف	حوزه اثرگذاری	دست‌آورد مشخص	اهمیت استراتژیک
۱	پاسخ‌گویی اجتماعی	ارایه راه‌حل‌های علمی و بومی برای ۳۵ چالش اولویت‌دار ملی	تبدیل پوهنتون به اتاق فکر دولت و جامعه
۲	استقلال علمی	کاهش وابستگی به دانش و تکنولوژی وارداتی در ۵ حوزه کلیدی	تقویت امنیت ملی و تاب‌آوری اقتصادی
۳	نوآوری فناورانه	توسعه فناوری‌های متناسب با اقلیم و فرهنگ کشور	ایجاد تکنولوژی‌های سازگار با زیست‌بوم افغانستان

در نهایت، می‌توان اذعان داشت که تحقیق، موتور محرک تحول در فرهنگ آکادمیک پوهنتون‌های افغانستان است. سرمایه‌گذاری در این بخش، هزینه‌کرد نیست، بل که تضمین‌کننده آینده‌ای روشن برای آموزش عالی کشور است. دستیابی به این اهداف نیازمند تداوم حمایت‌های

مالی، حفظ استقلال پوهنتونی و تقویت مستمر پیوند میان پوهنتون، صنعت و جامعه در عصر هوش مصنوعی و تحولات سریع جهانی است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه راهبردی تحقیق در نظام آموزش عالی افغانستان و بررسی پیامدهای آن بر تولید علم، کیفیت آموزش و توسعه ملی انجام شد. یافته‌های این تحقیق به گونه روشن نشان می‌دهد که تحقیق در ساختار پوهنتونی، نه یک فعالیت جانبی، بلکه رکن اساسی و هسته مرکزی مأموریت پوهنتون به شمار می‌رود؛ مأموریتی که پوهنتون را از نهاد انتقال‌دهنده دانش به نهاد تولیدکننده دانش، نوآوری و حل‌کننده مسائل جامعه ارتقا می‌بخشد.

نتایج به‌دست‌آمده بیانگر آن است که حرکت به سوی پوهنتون‌های پژوهش‌محور، تحولی بنیادین در فرهنگ علمی کشور ایجاد می‌کند. رشد چشمگیر تولیدات علمی بین‌المللی، افزایش مشارکت محصلان در پروژه‌های تحقیقاتی و بهبود جایگاه منطقه‌ای برخی از پوهنتون‌های کشور، نشان‌دهنده خروج تدریجی از انزوای علمی و پیوستن به شبکه جهانی دانش است. این تحول کمی و کیفی، افزون بر ارتقای اعتبار علمی افغانستان، زمینه‌ساز شکل‌گیری دیپلماسی علمی و تعاملات مؤثر بین‌المللی گردیده است.

در بُعد آموزشی، ادغام پژوهش در فرآیند تدریس و یادگیری، موجب تغییر پارادایم از آموزش حافظه‌محور به آموزش تحلیلی و مسئله‌محور شده است. ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی، افزایش قابلیت استخدام فارغ‌التحصیلان و بهبود کیفیت پایان‌نامه‌ها، بیانگر آن است که تحقیق نقش تعیین‌کننده‌ای در پرورش سرمایه انسانی کارآمد و پاسخگو به نیازهای بازار کار دارد. چنین رویکردی، پوهنتون را به محیطی پویا برای تربیت نسل خلاق، نوآور و کارآفرین مبدل می‌سازد. در سطح کلان‌تر، جهت‌دهی تحقیقات به سوی اولویت‌های ملی، پوهنتون را در جایگاه «اتاق فکر» دولت و جامعه قرار داده است. ارائه راه‌حل‌های بومی برای چالش‌های اساسی کشور، کاهش وابستگی به فناوری وارداتی و توسعه فناوری‌های سازگار با اقلیم و فرهنگ افغانستان، از جمله دستاوردهای استراتژیک این رویکرد محسوب می‌شود. بدین ترتیب، تحقیق نه تنها عامل ارتقای علمی، بلکه ابزار تقویت استقلال ملی، امنیت اقتصادی و تاب‌آوری اجتماعی نیز تلقی می‌گردد. بر بنیاد یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری در عرصه تحقیق، یک ضرورت انکارناپذیر برای آینده آموزش عالی افغانستان است. تحقق این چشم‌انداز مستلزم تأمین حمایت‌های مالی پایدار، تضمین استقلال پوهنتونی، توسعه زیرساخت‌های پژوهشی و تقویت پیوند میان پوهنتون، صنعت و جامعه می‌باشد. در عصر تحولات شتابان فناوری و هوش مصنوعی، تنها

نظام آموزش عالی پژوهش‌محور قادر خواهد بود نقش مؤثر خود را در توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه کشور ایفا نماید.

منابع

- آقازاده، احمد. (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت. تهران: انتشارات سمت.
- آهنچیان، نرگس. (۱۳۸۴). رهبری دانشگاهی و سرمایه‌ اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به مدیریت آموزش عالی. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲(۳ و ۴)، ۴۵-۶۸.
- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۴). بستر پرورش کارآفرینی باید فراهم شود. هفته‌نامه بازار کار، شماره ۲۱۵.
- ازکیا، مصطفی؛ و فیروزآبادی، احمد. (۱۳۸۲). سرمایه‌ی اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۴)، ۴۷-۷۳.
- اقدسی، علی. (۱۳۸۹). جایگاه پژوهش در نظام آموزش و پرورش. ماهنامه پیوند، شماره ۳۱۸، ۲۵-۲۸.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی؛ و ساسان‌گهر، پرویز. (۱۳۷۹). سازمان و مدیریت: از تئوری تا عمل. تهران: موسسه عالی بانکداری ایران.
- جهانگیری، علی. (۱۳۸۲). طراحی و تبیین الگوی کارآفرینی در سازمان‌های دولتی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). پوهنتون آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- چاپرا، آر. (۱۳۸۴). کارآفرینی و مدیریت (ترجمه شهناز طباطبایی). در مجموعه مقالات همایش کارآفرینی.
- دلور، علی. (۱۳۷۵). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش.
- رمضانی، ربابه. (۱۳۹۰). راهنمای عملی روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: نشر روان.
- رؤوف، علی؛ و محسن‌پور، بهرام. (۱۳۷۷). تحقیق در آموزش (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۷۳). فرآیند تدریس: تجزیه و تحلیل روان‌شناختی و عملی. تهران: انتشارات تربیت.
- سیف نراقی، مریم؛ و نادری، عزت‌الله. (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- شعبانی، حسن. (۱۳۷۶). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). تهران: انتشارات سمت.
- صالحی، ابراهیم؛ و مهرعلیزاده، یدالله. (۱۳۸۴). تغییرات بازار کار، توسعه آموزش عالی و سرمایه‌ی اجتماعی. در مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه‌ی پایدار.

- صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۴۰۰). چالش‌های فراروی تحصیلات عالی کشور. روزنامه افغانستان، شماره ۱۲۵۰، ص ۴.
- صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۰). کلیات روش‌ها و فنون تدریس. تهران: انتشارات معاصر.
- غفاری، علیرضا. (۱۳۹۱، ۲۳ فروردین). تحقیق، گام نخست حمایت از تولید ملی. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۵۲۸۵.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۶، ۲۱ خرداد). تصور ما از تحقیق. روزنامه رسالت، شماره ۶۱۶۸، ص ۱۸.
- فرزانه، جبرائیل. (۱۳۹۵). بررسی چالش‌های نظام آموزش عالی ایران. در همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران.
- قانع‌راد، محمدامین. (۱۳۸۴). نقش تعاملات دانشجویان و اساتید در تکوین سرمایه‌ی اجتماعی دانشگاهی. مجله جامعه‌شناسی ایران، (۱)۷، ۳-۲۹.
- قبری، سیروس؛ و تنکابنی، فریده. (۱۳۸۵). مؤلفه‌های سازمان یادگیرنده در دانشگاه‌ها. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (۴)۱۲، ۴۳-۶۶.
- کردستانی، غلامرضا. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت کارآفرینی و ارایه‌ی مدلی برای پرورش مدیران (پایان‌نامه دکتري). پوهنتون آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- نصفت، مرتضی. (۱۳۷۴). اصول و روش‌های آمار (جلد اول). تهران: انتشارات پوهنتون تهران.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ و گرابی‌نژاد، غلامرضا. (۱۳۸۲). بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در فرآیند توسعه‌ی دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (۳)۹، ۱-۲۸.
- Cahn, S. M. (۱۹۸۷, October ۱۴). Faculty members should be evaluated by their peers, not by their student. *The Chronicle of Higher Education*, B.۲
- Carr, W. (۲۰۰۷). *Quality in Critical Action Research*. London: Falmer Press.
- Johnson, D. W., & Johnson, F. P. (۱۹۹۹). *Joining Together: Group Theory and Group Skills* (۷th ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Jouybari, L., & Sanagoo, A. (۲۰۰۹). An effective instructor: A deep look at students' and instructors' experiences and perspectives. *Strides in Development of Medical Education*, ۲(۶), ۱۱۹-۱۲۸.
- Khalidi, N., & Sheikhan, A. (۱۹۹۸). Comparison of teacher evaluation by students, peer and teacher in Shahed Medical School. *Research in Medical Education*, ۳(۱), ۵۱-۴۹.

- Ngara, E. (۲۰۰۲). The African University and its Mission. Lesotho: National University of Lesotho.
- Sanagoo, A., & Jouybari, L. (۲۰۰۸). The pains and pleasure of evaluation: The experiences of Golestan University. Paper presented at the World Federation for Medical Education (WFME) Conference, Kish Island.
- Seif, A. A. (۱۹۹۲). Teacher's evaluation of student: How can it be trusted? *Psychological Research*, ۱(۲), ۲۴-۱۲